نگاهی به زیارت و حقیقت آن

در گفت‌وگو با آیت‌الله محمدحسین احمدی فقیه یزدی

نگاه شما درباره حقیقت زیارت چیست؟

﴿وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ﴾. آنچه در زمینه برنامه مناجات و دعا و توجه به پرودگار متعال مهم است، حضور قلب و توجه به حق متعال است و اگر به انبیا و اولیای عظام خصوصا خاتم المرسلین و خاندان پاک و منزه و معصوم او توجه می‌شود، در طول و در عداد رسیدن به حق متعال است و چیزی جدای از آن مسیر سلوک و سیر اصلی حضور به مقام قرب پرودگار متعال نیســت. هر چه هست، همان مســیر و همان طریق است و مسیر سیر و سلوکی است که خداوند متعال مهیا نموده اســت. بنا بر آنچه در کلمات بزرگان دین مطرح شده، محققا تمام

حرکت به سوی سیر و سلوک و رسیدن به خداوند متعال است و به گونه‌ای عمل شده است که تمام قوای روحی و نفسانی و طبیعی انسان در این برنامه‌ریزی سیرو سلوک، همه به سوی خدای متعال و توسل به حقیقت ذات ربوبی پرودگار باشد و به تعبیر ی که نقل کرده‌اند کسانی که «ذوالابصار النافذه» در حقایق و معارف بودند، غایت سیر و سلوک خود را رسیدن به جامعیت و کامل بودن قرب الهی در همه مراحل ذکر می‌کنند و در نهایت هم با لسان قال و حال همواره می‌گویند: «مَا شَاءَ اللهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ» و حتی در سیر و سلوک و حرکاتشان جز تعظیم و تقدیس قدرت پرودگار و دور بودن از نواقص و خضوع، چیز دیگری مدّ نظرشان نبوده است و اگر هم در بعضی عبارات فرموده‌اند: «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ»[1] میزان سلاح مؤمن به شناختن دعا و نوع دعای اوست و اینها همه برای آن است که سیر و حرکت عارفان و شخصیت‌های ممتاز برای درک محضر ربوبی از این مسیر است؛ لذا حقیقت زیارت در عبارتی که از امام رضا علیه‌السلام نقل شده، زیارت الله است. در روایت آمده است: «أيّما مُؤْمِنٍ زَارَ مُؤْمِناً كَانَ زَائِراً لله»[2] اصل زیارت، زیارت خدا و قرب و منزلت نزد حق تعالی است؛ لذا این قرب، قرب به خداست و به هر حیثیتی هم زیارت حاصل شود، در نهایت همان است که انسان می‌گوید: ﴿هُوَ اللهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾[3] و همه چیز را

حقیقت زیارت در عبارتی که از امام رضا علیه‌السلام نقل شده، زیارت الله است. در روایت آمده است: «أيّما مُؤْمِنٍ زَارَ مُؤْمِناً كَانَ زَائِراً لله» اصل زیارت، زیارت خدا و قرب و منزلت نزد حق تعالی است؛ لذا این قرب، قرب به خداست.

به نزد پرودگار محاسبه می‌کنند؛ پس در مرحله اول باید بدانیم که اصل زیارت، زیارت حق متعال است و حقیقت زیارت، حقیقت قربیه می‌باشد و اصل زیارت، قرب الی الله و دوری از نواقص و هر چه که ما را از قرب دور می‌کند است و زیارت جز برای حضور قلب نیست.

مهم‌ترین آداب زیارت کدامند؟

در زیارت دو نکته مورد توجه است:

الف) قرب الهی: از آداب زیارت، قرب به خداست. از منزل که بیرون می‌آییم، با توسل و توکل به خدا برای گرفتن این فیض از محضر حق متعال حرکت کنیم و به تعبیر بعضی از بزرگان از اساتیدمان که فراوان به زیارت ائمه علیهم‌السلام اهمیت می‌دادند، می‌فرمودند: ما قرب آنها ـ معصومین علیهم‌السلام ـ را می‌خواهیم تا واسطه‌ای برای قرب خودمان قرار دهیم؛ یعنی توجه و توسل به ایشان، واسطه‌ای است برای این‌که قرب الهی حاصل گردد.

آیت‌الله العظمی اراکی می‌فرمودند: کسی که می‌خواهد به زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام برود، اول به زیارت میرزای قمی برود. ایشان باب الرحمه حضرت معصومه است و واقعا هم مطلب درستی است. وقتی انسان به زیارت می‌رود و به شخصیت بزرگواری توسل می‌کند، برای آن است که قرب و منزلت او نزد حق متعال طریقیت پیدا می‌کند و این طریقیت باعث می‌شود که انسان یک امر مسبوق به قرب را وسیله قرار داده باشد و از همین جهت خود را منسوب به قرب الهی می‌کند و نتیجه قرب الهی را برای خود مهیا می‌کند.

آیت‌اللّه العظمی اراکی می‌فرمودند: کسی که می‌خواهد به زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام برود، اول به زیارت میرزای قمی برود. ایشان باب الرحمه حضرت معصومه است و واقعا هم مطلب درستی است. وقتی انسان به زیارت می‌رود و به شخصیت بزرگواری توسل می‌کند، برای آن است که قرب و منزلت او نزد حق متعال طریقیت پیدا می‌کند و این طریقیت باعث می‌شود که انسان یک امر مسبوق به قرب را وسیله قرار داده باشد و از همین جهت خود را منسوب به قرب الهی می‌کند و نتیجه قرب الهی را برای خود مهیا می‌کند.

ب) حضور قلب: از لحظه‌ای که قدم در مسیر زیارت برمی‌دارد، مهم رعایت حضور قلب است. بداند برای چه دارد این قدم را برمی‌دارد و از خدا بخواهد که حضور قلب کامل نصیب او شود و با معرفت کاملی به سمت مطلوب که زیارت حقیقی و زیارت حق متعال است راه یابد.

حضور قلب، چگونه حاصل می‌شود؟

حضور قلب با رعایت چند امر اتفاق می‌افتد:

الف)طهارت قلب: قلبی که معاصی و گناه در آن است، از معرفت الهی و تجلی الهی منقطع است.

ب) جلب لطف الهی: آنچه که باعث لطف عنایت حق تعالی است را باید انجام داد. اگر گناهانی بوده، باید توبه کرد. اگر دیونی دارد، ادا نماید و ابراء ذمه کند.

ج) طلب: از اموری که انسان در کل نظام وجود و وجود خود حس می‌کند، طلب کردن است. حقیقت زیارت و دعا هم طلب است. به حقیقت از خدا بخواهد. خیلی اوقات ظاهر خود را اهل مطالبه قرار می‌دهیم، اما باطنا اهل طلب نیستیم. آیت‌الله بهاءالدینی می‌فرمود: طلبه‌ای بود می‌گفت دعا می‌کنم و مستجاب نمی‌شود. به او گفتم: به حقیقت نخواسته‌ای! و اگر به حقیقت خواسته بودی، لبیک از جانب خدا حاصل می‌شد. زمانی لبیک می‌شنوی که واقعا خواسته باشی و اگر خواستن از طرف خدا بود، خدا تو را به درگاه خویش طلب کرده؛ اما حقیقتا لبیک نگفته‌ای! اگر لبیک واقعی گفتی، طلب هم می‌کنی و خدا هم لبیک تو را پاسخ می‌گوید.

آیت‌اللّه‌بهاءالدینی‌می‌فرمود: طلبه‌ای بود می‌گفت دعا می‌کنم و مستجاب نمی‌شود. به او گفتم: به حقیقت نخواسته‌ای! و اگر به حقیقت خواسته بودی، لبیک از جانب خدا حاصل می‌شد. زمانی لبیک می‌شنوی که واقعا خواسته باشی و اگر خواستن از طرف خدا بود، خدا تو را به درگاه خویش طلب کرده؛ اما حقیقتا لبیک نگفته‌ای! اگر لبیک واقعی گفتی، طلب هم می‌کنی و خدا هم لبیک تو را پاسخ می‌گوید.

این که دعا و زیارت را «قرآن صاعد» خوانده‌اند، مطلب درستی است و گفته‌اند لطف خدا در قرآن نازل است، اما قرآن صاعد، بالاتر از لطف است؛ چراکه اجابت و پذیرفتن است ﴿وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ﴾[۴] چقدر آیات قرآن ظریف نقل کرده است: ﴿بِما غَفَرَ لی رَبِّی وَ جَعَلَنی مِنَ الْمُکْرَمینَ﴾[۵] اول خداوند می‌آمرزد و پاک می‌کند و سپس از مکرمین قرار می‌دهد. حق متعال انسان را کرامت داد تا عبادت نفس اماره نکند و اگر گناهی دارد، خدا می‌آمرزد.

از کجا بدانیم زیارت و دعای ما مقبول است؟

ملاک را امام صادق علیه‌السلام در حدیثی فرموده‌اند. شخصی از امام سئوال کرد از کجا بدانیم شما ما را دوست دارید و قرب و منزلت ما نزد شما چقدر است؟ حضرت فرمود: ببین خودت چقدر احساس آن محبت و قرب و منزلت را نسبت به ما داری؛ به همان مقدار که می‌فهمی، در طرف ما هم همان‌گونه است. اگر بخواهیم بدانیم چقدر نزد خدا برتری داریم، باید دید خدا نزد ما چقدر منزلت دارد. در قبولی زیارت هم این‌گونه است. باید ببینیم چقدر قرب و منزلت در عبادت و زیارتمان بوده، به همان میزان هم جایگاه و قبولی زیارتمان را درک می‌کنیم و این معیاری است برای ما. اگر می‌خواهی بدانی چقدر فلانی تو را دوست دارد، ببین تو چقدر او را دوست داری و در باب محبت، امر طرفینی است.

البته روشن است که تمام شخصیت‌های بزرگ و باعظمت، به میزان قرب ایشان نزد حق متعال، عظمت زیارت ما را هم تغییر می‌دهند و ای بسا برای بعضی این‌گونه باشد که در زیارت یکی از اولیاءالله بالخصوص برای او یک ظرفیت و حقیقتی پیدا کند که نسبت به زیارت دیگر بزرگان حاصل نگردد؛ لذا گاهی ممکن است زیارت یک امامزاده برای شخصی کارگشا باشد؛ مثلا می‌گوید من نتیجه و حاجتم را از این امامزاده گرفتم و این‌جا یک ارتباط معنوی ایجاد شده است؛ مانند رادیویی که می‌خواهد گیرنده امواج باشد؛ باید طول موج متناسب با آن گیرنده داشته باشد تا ارتباط برقرار شود. انسان هم در معنویات این‌گونه است که ممکن است به زیارت ائمه برود، اما این قرب حاصل نگردد و ممکن است در زیارت امامزاده‌ای این قرب حاصل شود. لذا امامزادگان واسطه فیض هستند.

زیارت موجب ارتقای رتبه وجودی زائر می‌گردد؛ لطفا تبیین فلسفی و عقلانی این امر را بازگو کنید.

بحث اتحـاد عالم و معلوم و عاقـل و معقول در مباحث فلسـفی حرف عمیقی اسـت کـه کلید حل این سـئوال می‌باشـد. ارتقا یافتن عالم این گونه اسـت که او به حدی رسـیده که وجود علمی معلوم را درک کرده است؛ لذا عالم با درک آن معلوم، به درجاتی می‌رسـد و هر چه آن معلوم درجاتش بالاتر باشـد، باید این انسان هم درجه‌اش بالاتر بـرود و باید خود را به درجه معلوم برسـاند و اگر توانسـت به آن درجه برسد، آن اتحاد واقع می گردد. لذا می گوییم اتحـاد عاقل و معقول و این رشـد و کمال در زیارت، رسـیدن به آن مقام معنوی و مقام مزور اسـت و اگر این ارتباط واقع شـد، حقیقت زیارت اتفاق می‌افتد. در غیر این صورت حقیقت زیارت محقق نشـده اسـت. لـذا حقیقت زیارت آن ارتباط معنوی و آن افق صحیحی است که بین زائر و مزور ایجاد می‌شود.

البته آن کسانی که به تعبیر بزرگان «طائر قدسی» هستند، روح خود را در حالت خاصی می‌بینند که پرواز کرده است و در حـال زیارت این علـو را می‌یابند و از تنگنای وجود خود به یک فضای گسـترده و معنوی متصل می گردند و اگر این امر حاصل شد، حقیقت زیارت را درک می کند و تجلی معنویت هم از جانب حق متعال به او می‌شود. زمانی که ما بـه زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام می‌رویم، این حرکت برای این اسـت که آن‌جا تجلی گاه آن جلوه‌های حقیقی است؛ چون مکانی برای تجلی گاه الهی اسـت. ما هم می‌خواهیم

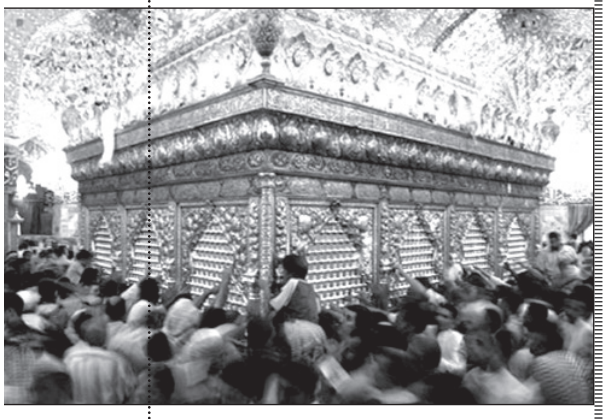

ای بسا برای بعضی این‌گونه باشـد که در زیـارت یکی از اولیاءالله بالخصوص برای او یک ظرفیـت و حقیقتی پیدا کنـد که نسـبت بـه زیارت دیگر بزرگان حاصل نگردد؛ لذا گاهی ممکن است زیارت یک امام‌زاده برای شـخصی کارگشا باشـد؛ مثلا می‌گوید من نتیجه و حاجتم را از این امام‌زاده گرفتم و این‌جا یک ارتبـاط معنـوی ایجاد شـده است.

خود را به آن حقیقت برسانیم و اگر در آن‌جا وجود ما هم ظرفیت آن پایگاه را داشت، آن تجلی برای ما نیز حاصل می‌گردد.

آیا هدف از زیارت، ثواب است؟

همان‌طور که در روایات آمده، زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام ثواب دارد. روایات زیادی از فریقین در ثواب زیارت رسیده است و این هم یکی از اهداف زیارت می‌باشد. رفتن به مجالس ذکر ثواب دارد و آن ثواب هم نصیب ما می‌گردد. زیارت تعظیم شعائر است و خود تعظیم شعائر ثواب دارد و ما هم با زیارت، در این ثواب شریک می‌شویم. لذا ثواب یکی از اهداف زیارت است و صرف همین قصد و توجه به حفظ شعائر ثواب خودش را می‌دهند.

اگر از احوالات بزرگان درباره زیارت خاطراتی به یاد دارید بیان کنید؟

همراه آیت‌الله بهاءالدینی با اخوی، برای زیارت خانه دل و امید همه مردم ایران به مشهد می‌رفتیم. زمانی که وارد مشهد می‌شدیم، ایشان با توجه و آداب خاصی زیارت می‌کردند. وقتی می‌رسیدند، حتی گاهی به اندازه‌ای که مزاحم مردم بشوند و مردم را کنار بزنند، مزاحم کسی نمی‌شدند و دیگران را نیز از این کار منع می‌کردند و می‌فرمودند توجه حضرت هست و در گوشه‌ای از حرم می‌نشستند و سلام بااخلاصی می‌دادند و هر چه باید دریافت می‌کردند، می‌گرفتند و می‌فرمودند برگردیم.

زیارت حقیقی آن است که انسان این ارتباط را دریافت کند. حالات روحی ایشان نشان می‌داد زمانی که حضور قلب به حد قابل قبول برای ایشان اتفاق افتاد، توقف بیش از آن را به خود اجازه نمی‌دادند و گاهی می‌فرمودند: بیش از این مزاحم حضرت نمی‌شویم.

یکی از علمای یزد، عالم ربانی و سید سند میرزا حسین صدرالساداتی، جد مادری ما هستند و ایشان انسانی مستجاب الدعوه بودند و در سن ۹۰ سال به بالا از دنیا رفتند. ایشان می‌گفتند: این همه دعا در مفاتیح و... آمده و باید کسی اینها را بخواند و ما را تشویق می‌کردند این دعاها را بخوانیم و اثرات این دعاها را مکرر برای ما بازگو می‌کردند. در سفری که در محضر ایشان به مشهد رفتیم، مکرر این مطلب خدمت ایشان گفته می‌شد که شما دعا

زیاد می‌خوانید. از منزل که خارج می‌شـدند تا برگردند، مشغول دعا بودند. ایشان می‌فرمود: دستور رسیده است که این دعاها خوانده شود و شاید اگر یکی از این دستورات را عمل کنیم، به آن نتایجی که وعده داده شـده، برسیم و این مطلب هم مطلب درسـتی است. اگر کسی جمع بین هر دو کند و حضور قلب واقعی و آن دسـتوری که برای رسیدن به هدف هسـت، هر دو را دریافت کنیم، موجب می‌شود به هدف دست بیابیم.

مناسب است از اسـتاد بزرگوارمان علامه طباطبایی رحمه‌الله هم یادی کنم. ایشـان وقتی به مشـهد مقدس می‌آمد در نماز آیت‌الله میلانی شرکت می‌کردند، وقتی محضر ایشان می‌رسیدیم، ایشان هم مثل سایر مردم زیارت می‌کردند و مکرر دیدیـم که همان زیارت عادی که مردم می‌خوانند را ایشـان می‌خواند و این‌که به شکل خاصی زیارت کنند نبود؛ بلکه مثل همه مردم عـادی زیارت می‌خواندند و با همین توجـه زیارت می‌کردند و گاه مدت‌ها در گوشـه ای می‌نشسـتند در حالت فکر و عالم ذکر بودند و توسل به آن حضرت داشـتند؛ یعنـی در ضمن زیارت، ذکر هم داشتند؛ اما ذکر نفسـانی، نه لفظی. ذکر لفظی را به همان زیـارت کوتاه اکتفا می‌کردند. همچنین در حرم حضرت معصومه علیهاالسلام بیشتر حالت تذکر و ذکر بود. زیارت با تذکر و تفکر، و گاهـی طلاب که طلب نصیحتـی می‌کردند، می‌فرمودند: اهل محاسـبه و مراقبه باشید و با این دو بال، انسان خود را به مقام حقیقی زیارت می‌رساند تا اثر زیارت در وجود انسان ظاهر شود.

برای این‌که نتیجه بیشتری از زیـارت ببریـم، یکـی از راههـا، دعای جمعی اسـت؛ یعنی هر کسـی برای دیگری دعـا کند. اگر همـه یکدیگر را دعا کنند، اثر دعا بیشـتر می‌شـود و به استجابت هم نزدیک‌تر است.

چگونه از زیارات، بیشتر نتیجه بگیریم؟

برای این که نتیجه بیشتری از زیارت ببریم، یکی از راهها، دعای جمعی است؛ یعنی هر کسی برای دیگری دعا کند. اگر همه یکدیگر را دعا کنند، اثر دعا بیشتر می‌شود و به استجابت هم نزدیک‌تر است. خدای متعال اجتماع و هم‌بستگی مؤمنین را بسیار دوست دارد؛ لذا زمانی که از خدا چیزی می‌خواهیم، به جمعی به محضر ربوبی برویم و از صلحا و علما التماس دعا داشته باشیم. این از دستورات دین است. آیت‌الله بهاءالدینی می‌فرمود: ما با ارواح مؤمنین سروکار داریم و همراه با ارواح مؤمنین دعا می‌کردند. شاید دعای چهل مؤمن که در نماز شب توصیه شده، یعنی از روح ایشان هم استمداد می‌گیریم و حالت جمعی که عرض شد، به این نحو حاصل بشود. لذا اگر کسی می‌خواهد به زیارت برود، با خانواده و با توجه جمعی به زیارت برود تا اثر بیشتری نصیب او گردد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام، ص ۶۵.
۲. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج۲، ص۷۶.
۳. حشر، آیه ۲۲ و ۲۴.
۴. غافر، آیه ۶۰.
۵. یس، آیه ۲۷.